

مبانی علمی خاص تفسیر سیاسی در محور «متن قرآن»

Abedi.mehr@yahoo.com

محمد عابدی / استادیار گروه قرآن پژوهی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۵ - پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۸

چکیده

تفسیر سیاسی علاوه بر مبناهای عام، نیازمند مبناهای خاص «فلسفه علمی» و «علمی» است تا هویت بنیادین مستقلاً بیابد. مبانی علمی - دست کم - در سه گستره «متن»، «مخاطب» و «مفسر» مطرح است. در گستره متن هم می‌تواند انواعی داشته باشد. بدین‌روی این مسئله مطرح است که مبانی اخیر شامل چه موضوعاتی می‌شود؟ این مبانی می‌تواند با عنایت به کمیت آیات ناظر به سیاست، یا رسالت قرآن نسبت به تحول سیاسی، یا نقش نظارتی قرآن نسبت به سیاست باشد. در نتیجه، این مسئله مطرح می‌شود که مبناهای علمی خاص احتمالی در این سه گستره کدام است؟ پژوهش حاضر در پی دستیابی به مبناهای علمی خاص تفسیر سیاسی در سه گستره مذکور است تا ممیزاتی برای تفکیک آن از دیگر گونه‌ها تبیین نماید. گردآوری اطلاعات با مطالعه تفاسیر اجتماعی - سیاسی، و از منظر روشی، به روش «توصیفی و تحلیلی» سامان پذیرفته و یافته‌های این است که تفسیر سیاسی - دست کم - با سه مبنا در محور متن قرآن (کثرت و اهمیت نقش آیات ناظر به سیاست و حاشیه‌ای نبودنشان؛ تبیین‌گری قرآن برای تحول سیاسی بر پایه دین؛ مهیمن بودن قرآن بر سیاست و پالایش آن) هویت مستقل دارد.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، مبانی علمی، مبانی خاص، متن قرآن، تفسیر سیاسی.

کشف مراد الهی از قرآن کریم متکی بر مجموعه‌ای از مباحث است که مفسر بر مبنای آنها مراد الهی را درمی‌یابد و نوع مباحثی اتخاذ شده توسط مفسران، تفاوت در تفسیر آیات را در پی دارد. از سوی دیگر در طول تاریخ تفسیر، شاهد ظهور انواع گرایش‌هایی از تفاسیر در کنار تفسیر به معنای عام بوده‌ایم. در این میان، «تفسیر سیاسی» می‌تواند گرایشی نوپدید از تفسیر معرفی شود.

در مواجهه با تفسیر سیاسی، با این پیش‌فرض که تفسیر سیاسی علاوه بر مباحث عام تفسیری (ر.ک: عابدی، ۱۴۰۰) و مباحث فلسفه علمی (همچون امکان، جواز، مشروعیت و تفسیر سیاسی) (ر.ک: عابدی، ۱۳۹۶)، دارای مباحث علمی خاص در محورهای متعددی همچون متن، مخاطب و مفسر است، این پرسش مطرح می‌شود که مصادیق مباحث علمی خاص تفسیر سیاسی در محور متن کدام است؟ فرضیه تحقیق تأکید دارد که - دست‌کم - سه مبنای خاص (۱. کثرت و اهمیت نقش آیات ناظر به سیاست؛ ۲. نقش تبیین‌گری قرآن نسبت به تحولات سیاسی در فضای فکری قرآنی؛ ۳. هیمنه قرآن بر سیاست و نقش پالایشی و پیرایشی آن) در این عرصه می‌توان معرفی کرد. قلمروی تحقیق به قرآن کریم و تفاسیر مهم با گرایش اجتماعی و سیاسی است و چون هنوز مباحث، اصول، روش‌ها، قواعد و دیگر ابعاد تفسیر سیاسی معرفی نشده و این تفسیر شکل دانشی به خود نگرفته است، تحقیق با نگاه پیشینی (قبل از شکل‌گیری دانش) به آن می‌نگرد و پس از تشکیل دانش یا با مطالعات بیشتر در تفاسیر مرتبط، ممکن است شاهد اصطلاح مباحث دیگری نیز باشیم.

در تبیین مفاهیم تحقیق، لازم به ذکر است که «تفسیر سیاسی» به‌مثابه بخشی از علوم انسانی اسلامی در حوزه سیاست و قوانین مرتبط با تدبیر حیات سیاسی، نوعی رویکرد به تفسیر با هدف دستیابی به آموزه‌های قرآن درباره حیات سیاسی است (همان) و بر بیان معانی آیات قرآن و کشف مقاصد و مدلول‌های سیاسی خداوند از آیات تمرکز دارد و می‌کوشد ظرفیت سیاسی آن دسته از آیات قرآن را که بدون رویکرد سیاسی ناشناخته مانده، کشف نماید و آیات را با رویکرد سیاسی تا حد ممکن تفسیر کند (عابدی، ۱۳۹۹). رویکرد مذکور موجب می‌شود الگوهای تولید شده در این کلان‌بینش تفسیری، از مجموعه‌ای از مبانی (و در ادامه اصول و قواعد) تأثیر پذیرد (ر.ک: عابدی، ۱۳۹۶).

منظور از «مبانی» در این تحقیق، باورهای بنیادینی است که تفسیر قرآن بر آنها استوار است (ر.ک: بابایی و همکاران، ۱۳۷۹، ص: ۳؛ شاکر، ۱۳۸۲، ص: ۱۴۰؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ص: ۱۱) و مراد از «مبانی تفسیر سیاسی» باورهای بنیادینی است که تفسیر سیاسی بر آنها بنا نهاده می‌شود که گاه بین انواع رویکردهای تفسیری مشترک است (ر.ک: دائره‌المعارف قرآن کریم، ۱۳۸۲، ج ۸، ص: ۲۶) و زمانی به تفسیر سیاسی اختصاص دارد که به آنها «مبانی خاص تفسیر سیاسی» اطلاق می‌شود. اگر به مبانی یاد شده با نگاه برون‌تفسیری بنگریم، با مبانی «فلسفه علمی تفسیر سیاسی» روبه‌رو خواهیم شد؛ مانند ضرورت، امکان، مشروعیت و حجیت تفسیر سیاسی؛ و اگر از منظر درونی بنگریم، مبانی دانشی تفسیر سیاسی (مانند مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی) را در اختیار خواهیم داشت.

مراد این تحقیق مبانی گروه اول است که دانش تفسیر سیاسی بر آنها تکیه دارد و توصیه‌هایی را ارائه می‌دهد که عملیات تفسیر سیاسی را برای وصول به اهدافش هدایت، و روش و منطق عملیات تفسیر سیاسی را ارائه می‌کند (عابدی، ۱۳۹۶). این مبناها گاهی در مواجهه با متن، و زمانی در ارتباط با مخاطب یا مفسر شکل می‌گیرند. این تحقیق به معرفی و تبیین مبانی خاص در مواجهه با متن قرآن اختصاص دارد و هدف آن دستیابی به مبانی علمی خاص تفسیر سیاسی در محور متن قرآن است.

در خصوص اهمیت تحقیق، لازم به ذکر است که تفسیر قرآن کریم وسیله دستیابی به فهم روشمند و معتبر از تشریحات الهی در عرصه‌های حیات اجتماعی، سیاسی و مانند آن است، و کشف معتبر گزاره‌ها و سامانه‌های سیاسی قرآن نیز محتاج مبانی علمی ویژه‌ای فراتر از مبناهای متخذ در تفسیر عمومی است. توجه به آسیب‌های تفاسیر مادی‌گرایانه از قرآن، گوشه‌ای از اهمیت کشف و کاربست مبناهای علمی خاص را موجه می‌سازد. برای مثال، شهید مطهری متوجه این مشکل شده و با ذکر برخی مبانی، انتقادهای جدی به فهم سیاسی گروه‌های مادی‌گرا از آیات وارد کرده و تفاسیر سیاسی گروه‌هایی همچون فرقان و منافقان خلق را نقد کرده است (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۶۱ و ۴۶۵).

در خصوص «مبانی علمی خاص تفسیر سیاسی» و به طور مشخص «مبانی خاص در محور متن قرآن»، پژوهشی منتشر نشده است، جز مقاله «گرایش تفسیر سیاسی» از معصومه دولت‌آبادی. در بخش مبانی، وی اشاراتی به برخی مبناها دارد (دولت‌آبادی، ۱۳۸۸). با این حال، پراکندگی و نداشتن هندسه و طرحی منظم و نگاهشده‌ای منحصر در مبانی علمی خاص تفسیر سیاسی در محور متن، ما را نیازمند توجه خاص به این موضوع می‌سازد. علاوه بر مبانی عام که مربوط به همه انواع تفاسیر است و تفاسیر با پذیرش آنها شکل می‌گیرد، هر نوع از تفسیر نیز مبناهایی ویژه خود دارد که به آن نوع خاص تفسیر هویت می‌بخشد، برای مثال، مفسر سیاسی می‌پذیرد که «آیات ناظر به سیاست در قرآن اولاً، به اندازه کافی و ثانیاً، به صورت اصلی و رکنی - و نه حاشیه‌ای - در قرآن وجود دارد». با فرض پذیرش این مبناست که مراجعه به قرآن برای فهم آموزه‌های سیاسی قرآن برای حیات بشر موجه می‌شود.

کثرت و اهمیت نقش آیات ناظر به سیاست

مفسر سیاسی با این مبنا به تفسیر قرآن می‌پردازد که قرآن به مسائل سیاسی توجه زیادی دارد و آیات ناظر به سیاست، میان مجموعه آیات، دارای کثرت و از اهمیت برخوردار است؛ بدین معنا که حضورشان کمرنگ و حاشیه‌ای و طفیلی نیست، بلکه در راستای رسالت قرآن است. آیات ناظر به سیاست در کنار دیگر آموزه‌های قرآن، نقش مهمی در تأمین اهداف نزول قرآن دارد و بدون التزام به این آموزه‌ها، امکان تأمین جامع اهداف نزول میسر نیست. به واقع، سیاست با اسلام و متن مقدس آن (قرآن) پیوندی عمیق دارد و حضور پرچم آیات سیاسی گویای این پیوند است. الزامی که این مبنا به دست می‌دهد این است که مفسر سیاسی در تفسیر قرآن نسبت به تأمین این اهداف باید هوشیار باشد و

هدایت‌گری قرآن توسط مدلول‌ها و عبارات سیاسی را با تعمق در آیات تجلی بخشد و برای رسیدن به اهداف جامع هدایتی قرآن، در پی کشف و استخراج مفاهیم و معارف قرآن در عرصه حیات سیاسی برآید.

بدین روی مفسران به نقش مهم آیات ناظر به سیاست در گستره هدایت‌گری قرآن توجه کرده و معتقدند: حجم وسیعی از اهداف قرآن از طریق هدایت و تأمین مصالح بشر و راهنمایی به حیات مطلوب، از مجرای آموزه‌های سیاسی تأمین می‌شود. آنان بر لزوم فهم قرآن با این مبنا توجه می‌دهند (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۳ و ج ۲، ص ۴۷). تبیین این مبنا را که به یک اعتبار، دو مبنای کمی و کیفی (کثرت آیات، اهمیت آیات) است، با استناد به دیدگاه مفسران اجتماعی - سیاسی پی می‌گیریم:

۱. حضور پر حجم آیات حیات سیاسی

قرآن به تصریح مفسران اجتماعی - سیاسی مشتمل بر ارکان لازم برای سیاست و حکومت‌داری است و آموزه‌های زیادی در همه این حوزه‌ها دارد؛ مانند اهداف حکومت، ماهیت حکومت اسلامی، رابطه دین و حکومت، پایه‌های حکومت (۱. نظام قانون‌گذاری؛ ۲. نظام اجرایی؛ ۳. نظام قضایی، همچون حدود و تعزیرات، زندان، اداره حسبه و امر به معروف و نهی از منکر؛ ۴. تعلیم و تربیت؛ ۵. نیروهای دفاعی و قوای مسلح؛ و مباحثی همچون حکومت و صلح و اسیران، رابطه با غیر مسلمانان و سازمان‌های اطلاعاتی) و نیز ضرورت حکومت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۲۱-۲۶)، و مشروعیت مشورت (همان، ص ۵۵ و ۱۱۲-۱۲۱). با توجه به وجود چنین حجمی از آیات، سیاست از اسلام تفکیک‌ناپذیر معرفی شده است (همان، ج ۱۰، ص ۶۶). همچنین اهدافی که پیامبران مأمور اجرای آن بودند بدون تشکیل حکومت عملی نبود، و اهدافی که برای پیامبران در قرآن ذکر شده است (مانند تعلیم و تربیت، قیام به قسط، عدالت اجتماعی، آزادسازی انسان از اسارت‌ها، احقاق حقوق مظلومان، تربیت نفوس و پرورش فضایل اخلاقی) بدون تشکیل حکومت اسلامی، در سطح گسترده قابل تحقق نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸، ص ۸۳). برخی از ارکان حکومت و سیاست که آیات به آنها توجه دارد، عبارت است از:

الف) ابعاد متنوعی از نظام اجرایی حکومت

آیات متعددی دلالت صریح یا اشاری به نام و صفات مجریان حکومت دارد؛ از جمله: مسئله مبارزه حضرت موسی علیه السلام با حاکم طاغوتی فرعون. وقتی حضرت موسی علیه السلام دستور مبارزه با فرعون و نجات بنی‌اسرائیل و دعوت به توحید و حق و عدالت را دریافت کرد، برای اجرای آن از خداوند کمک خواست (طه: ۲۹-۳۲). همچنین است انتخاب *طلوت* برای مبارزه با *جالوت* که مردم برای انتخابش، نزد پیامبرشان / *شموئیل* رفتند و تقاضای *مَلِک* و فرمانده کردند (بقره: ۲۴۶). او نیز از سوی خدا فرمان یافت *طلوت* را که جوان با ایمان و شجاع و پاکدلی بود، برگزیند (بقره: ۲۴۷). در داستان حضرت یوسف علیه السلام وقتی آن حضرت سال‌های قحطی را پیش‌بینی کرد و برنامه گذر از سال‌های سخت را تنظیم نمود، سلطان مصر برای اجرای این برنامه، وی را - البته به پیشنهاد خودش - انتخاب کرد (یوسف: ۵۵؛ نمل: ۱۵-۱۶؛ سبأ: ۱۰-۱۳) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۱۲۸).

ب) ترکیب نظام اجرایی؛ فرهنگ حاکم بر حکومت اسلامی

در این حوزه نیز آیات فراوانی می‌توان گزارش کرد؛ مانند مسئله الزام به اطاعت از ولی امر، مطلق بودن اطاعت از پیامبر، یا نصب و انتقال قدرت. مفسران به بررسی آیات متعدد در این حوزه حکومتی پرداخته‌اند؛ مثلاً آیات ۶ احزاب، ۵۹ نساء، ۶۵ نساء و ۶۳ نور را در خصوص زمامداری پیامبر ﷺ می‌دانند و اینکه اطاعت مطلق در این آیات با نصب او برای زمامداری جامعه اسلامی ملازمیت دارد و از آیه ۶۷ سوره مائده با توجه به مؤیدات تاریخی و روایی نتیجه گرفته شده که مربوط به نصب حضرت علی ﷺ به خلافت است (همان، ص ۱۶۷-۱۶۸).

ج) انواع حکومت

در قرآن علاوه بر تصریح به حکومت‌های خودکامه - همچون فرعون و نمرود - و اعلام موضع در برابر آن و اشاراتی به حکومت شورایی - مانند حکومت ملکه سبا - در آیات متعددی حکومت‌های الهی، خاستگاه الهی آنان، وظایف و کارکردهایشان مشاهده می‌شود. تفاسیر به حکومت عظیم حضرت داود (بقره: ۲۵۱)، حکومت حضرت سلیمان ﷺ (ص: ۳۵)؛ *طالوت* - از سلاطین معروف بنی‌اسرائیل - (بقره: ۲۴۷) اشاره دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۴۲-۴۷).

ارائه فهرستی از موضوعات سیاسی موجود در تفاسیر اجتماعی - سیاسی هم مؤید حضور پرچم آیات ناظر به سیاست در قرآن است. *ابن عاشور* علاوه بر تفسیر آیاتی که به مسائل گوناگون سیاست مرتبط است، همچون جهاد، ولایت و حکومت، و اطاعت‌پذیری از حاکمان، حتی بخشی از فواید قصص قرآن را به فواید سیاسی گره می‌زند و معتقد است: قصه‌ها نیز همت لازم برای تلاش مسلمانان به منظور سیادت بر جهان را ایجاد می‌کند. این قصه‌ها موجب می‌شود متوجه گردند که قدرت خداوند فراتر از هر قدرتی است و خدا هر که را بخواهد نصرت می‌دهد. این حقیقت موجب می‌شود به وسیله خداوند در پی بقا بگردند و به او اعتماد کنند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱، مقدمه، ص ۶۶). نیز داستان‌ها موجب می‌شود مخاطب به ترتب مسببات بر سببها در خیر و شر و تعمیر و تخریب آگاهی یابد و امت با تکیه بر آنها بتواند به این اسباب اقتدا کند و یا از آنها حذر نماید (همان، ص ۶۵-۶۶).

تفسیر *تسنیم* (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۱، مقدمه و ص ۲۳۹ و ۲۵۲) آیات مربوط به «جدایی ناپذیری دین از سیاست» (همان، ص ۲۳۹-۲۴۱) را ذکر می‌کند و ذیل آیه ۶۵ سوره نساء، به مسئله حکومت قضایی و ولایی پیامبر اکرم ﷺ، مقبولیت و مشروعیت حکومت پیامبر ﷺ و احترام به آراء مردم توجه می‌کند (همان، ج ۱، ص ۳۸۸). نیز اینکه اداره جامعه اسلامی به دو عنصر نیازمند است:

۱. مشروعیت حکومت که از طرف شارع مقدس تنظیم می‌شود - که شد.

۲. مقبولیت نظام که از طرف مردم محقق می‌شود و ظاهراً معنای تحکیم مردم، ناظر به تأمین مقبولیت و اشاره به وجوب آن بر مردم است تا رکن دوم نظام مقتدر حاصل گردد، و اگر این عنصر دوم پدید نیاید - یعنی مردم به وظیفه الهی خود که پذیرش حکومت عدل و داد است عمل نکنند - ممکن است رخدادهای تلخی امت اسلامی را تهدید کند. بنابراین با احترام به آراء مردم و هماهنگی با آنان، استحکام نظام اسلامی حاصل می‌شود (همان، ص ۳۹۶).

۲. اهمیت جایگاه آیات ناظر به سیاست

نکته مهمی که (علاوه بر کثرت آیات سیاسی در قرآن) در این مبنا مطرح نظر است، اهمیت این دسته آیات است؛ بدین معنا که حضور این آیات در قرآن حاشیه‌ای و استطرادی نیست، بلکه در هندسه آیات قرآنی، حضورشان رکنی و اصلی است؛ بدین معنا که آیات سیاسی بخشی از رسالت قرآن و اهداف تربیتی آن را سامان می‌دهد و سیاست بخشی از موضوعات رکنی قرآن است، به همین سبب آیات موجود علاوه بر کثرت، از منظر جایگاه موضوعی، رکنی است و اهمیت دارد و حاشیه‌ای و مناسبتی نیست. با این مقدمه، برخی از نقش‌های اصیل و محوری آیات سیاسی را که مبین اهمیت جایگاه این آیات است را برمی‌شماریم؛ با این توضیح که چهارچوب نظری منجر به تقسیم سه‌گانه ذیل را این‌گونه می‌توان توضیح داد:

نزول قرآن - دست‌کم - دو طرف دارد؛ ۱. مصدر صدور (خدا)؛ ۲. مخاطب نزول. درباره مصدر نزول، مهم‌ترین مسئله «هدف صدور» است. بدین‌روی از جایگاه آیات سیاسی میان اهداف نزول باید سخن گفت. درباره مخاطب نزول نیز با دو موضوع روبه‌رو هستیم:

الف) انسان که دارای شئون متعددی است و مخاطب آیات فراوانی قرار دارد.

ب) اجتماع انسانی که مخاطب آیاتی از قرآن است با عناوینی همچون قوم.

بنابراین لازم است جایگاه مهم آیات مذکور در این سه حوزه معرفی گردد. البته ممکن است از منظرهای گوناگون، محورهای دیگری نیز برای تبیین جایگاه پیشنهاد شود که بررسی مستقل آن مجال مستقلاً می‌طلبد.

یکم. جایگاه مهم اهداف و مقاصد قرآن

«سیاست امت» از اهداف مهم قرآن است و اصولاً پیامبران اولی‌العزم وظیفه داشتند قوانین الهی را در جامعه تحقق بخشند. این قوانین هم در قالب کتاب مقدس ارائه می‌شد. بنابراین آنان جامعه خود را براساس آموزه‌های این کتاب‌ها مدیریت و رهبری می‌کردند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز جامعه خود را بر پایه قرآن کریم رهبری می‌نمود. به تصریح مفسران اجتماعی و سیاسی، سیاست و رهبری بخشی از نبوت پیامبران اولی‌العزم است و آنان مأمور رهبری شئون گوناگون حیات بشری بودند و این کار صرفاً با تبلیغ ممکن نبود، بلکه موظف بودند وارد عمل و مرحله تنفیذ و اجرای دستورات شریعت شوند.

علامه فضل‌الله ضمن اشاره به مطالب قبل، در تفسیر آیه ۱۲۴ سوره بقره، این معنای اصطلاحی را برای امامت مطرح می‌کند: قیام کننده به تدبیر امور امت و سیاست آنها و تبلیغ و تأدیب در برابر جنایت‌هایشان و سرپرستی آنها و اقامه حدود بر مستحق‌های آنها و غیر این از آنچه هم‌ردیف سلطه کامل بر اقدامات اجرایی است.

آنگاه توضیح می‌دهد حضرت وقتی ابراهیم علیه‌السلام مبتلا شد خداوند جزای او را امامت قرار داد. وی با توجه به آیات قرآنی به این مطلب می‌رسد که نقش پیامبران علاوه بر تبلیغ، اجرا نیز بود. او معتقد است: مهم در نبوت، تغییر جهان و انسان به صورتی است که خدا در مسیر و نظامش خواسته و در این رویکرد، طبیعی است که نبی رهبری

است که کارهای مربوط به تغییر جهان و انسان را مستقیماً یا با واسطه انجام می‌دهد. وی آیات متعددی مانند ۲۶ سوره ص را مطرح می‌کند و می‌افزاید: قیام مردم به قسط و حکم بین مردم به حق، و حکم در آنچه اختلاف دارند برای از بین بردن اختلاف است که البته این امور صرفاً با تبلیغ به دست نمی‌آید و اینکه «جعل حکم» (بین مردم به حق حکم کن) فرع «جعل خلافت» (ما تو را خلیفه در زمین قرار دادیم) شده، به این نکته اشاره دارد که رویکرد خلافت (نبوت) به سوی اقدامات عملی در حیات بشر است (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۳-۱۴).

ابن‌عاشور نیز یکی از مقاصد اصلی قرآن را «سیاست امت»، و هدف مفسر را بیان مراد خداوند در قرآن معرفی می‌کند و معتقد است: قرآن مشتمل بر مسائلی است که به سیاست امت مربوط می‌شود. در توضیح چهارمین «مقصد اصلی قرآن» می‌نویسد: سیاست امت باب عظیمی در قرآن است و قصد آن صلاح امت و حفظ نظام اوست؛ مانند ارشاد به ایجاد جامعه. وی برای این مطلب آیاتی مربوط به «امر به وحدت و اجتناب از تفرقه» (آل عمران: ۱۰۳؛ انعام: ۱۵۹؛ انفال: ۴۶) و آیه امر به شورا (شوری: ۳۸) را مطرح می‌کند (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۸) و توضیح می‌دهد: حتی گاهی معنای آیه به بعضی از مسائلی اشاره دارد که دارای ابعاد چندگانه سیاسی - اقتصادی‌اند؛ مثل معنای آیه «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر: ۷) که تفصیلی از علم اقتصاد سیاسی و توزیع ثروت عمومی را از آن درمی‌یابیم و به وسیله آن مشروعیت زکات و موارث اسلامی را تعلیل می‌کنیم (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۴۲).

دوم. جایگاه مسئله ساخت جامعه انسانی

آیات فراوانی ناظر به سیاست است و از نقش عمده قرآن در ساخت جامعه انسانی خبر می‌دهند (ر.ک: عابدی، ۱۳۹۸). توضیح اینکه مهم‌ترین هدف تفسیر قرآن دریافت مسائل تربیتی و اجتماعی و سیاسی معرفی شده است. قرآن جامعه‌ای انسانی را می‌سازد که به بشر امکان می‌دهد از نیروهای نهفته در خود به بهترین صورت در همه ابعاد استفاده کند (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۶۰). تأثیر پذیرش این نقش به حدی بود که مفسر فی *ظلال القرآن* اعتقاد داشت: اسلام در همه زمینه‌ها، از جمله شکل حکومت و شیوه حکومت، نظر خاص دارد و باید نظر اسلام پیاده شود (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۹۶) و خود از منظر ضد استعماری به تفسیر قرآن (متن اصلی اسلام) و آیات اجتماعی و سیاسی آن، مانند آیات جهاد پرداخت و برای ایجاد تحول میان ملت‌های اسلامی و دعوت به اتحاد مسلمانان تلاش کرد (ایازی، ۱۳۷۳، ص ۵۱۲؛ علوی مهر، ۱۳۸۱، ص ۳۴۶).

عبده در *المناظر* به علل عقب‌ماندگی جامعه اسلامی، امکان ساخت جامعه‌ای قوی و بنیان‌گذاری آن در سایه برانگیختن امت اسلامی به انقلاب قرآنی علیه اوضاع عصر، عنایت کامل به تأمین اسباب و علل تمدن اسلامی، و برخورد با دشمنان توجه کرد (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۸۴). او و تابعانش واقع‌بینانه به تفسیر پرداختند و به خوبی دریافتند که قرآن به ابعاد سیاسی و اجتماعی اهمیت زیادی داده است.

قرآن درباره اینکه چگونه با سیاستمداران، مستکبران یا مستضعفان برخورد شود و از بیعت به مثابه یکی از مسائل سیاسی، تبیین کاملی ارائه داده یا نحوه اداره کشور را در آیه «و أمرهم شوری بینهم» به خوبی بیان کرده است (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۰).

برخی مفسران نیز با توجه به آیه «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۹۸) وظایف انبیا در نشان دادن راه هدایت و سعادت مردم در عرصه‌های گوناگون (اجتماعی، سیاسی و مانند آن) را از منظر قرآن یادآوری کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱، ص ۳۶۱). با چنین مبنایی، مفسران در تفسیر آیات، لازم است توجه خاصی به مسائل سازنده زندگی مادی و معنوی و به‌ویژه مسائل اجتماعی داشته باشند و بر مسائلی تکیه نمایند که تماس نزدیکی با حیات فرد و اجتماع دارد (همان، ج ۱، ص ۲۸).

سوم. جایگاه تحقق تمام شئون انسانیت

آموزه‌های قرآن در یک تقسیم‌بندی کلی، در سه دسته جای می‌گیرد، به گونه‌ای که می‌توان گفت: قرآن تمام شئون مرتبط با انسانیت را مطرح کرده است. این سه شأن عبارت است از: عقاید، اخلاق، قوانین اجتماعی و فردی (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۲۰، ذیل آیه ۸۲ سوره نساء). آیات ناظر به سیاست و مدیریت حیات اجتماعی بشر در هر سه گروه شئون مرتبط با انسانیت حضور دارد.

لایه اول: قوانین اجتماعی و فردی؛ قوانین سیاسی بخشی از این لایه است.

لایه دوم: اخلاق فضائل عامه؛ اخلاق سیاسی جزئی از آن قرار می‌گیرد.

لایه سوم: عقاید و مبانی؛ هم قوانین و هم اخلاق سیاسی مبتنی بر این عقاید و مبانی شکل می‌گیرد. از این منظر نیز آیات ناظر به سیاست دارای اهمیت ارزیابی می‌شود.

برای نمونه، شهید مطهری این جایگاه را در حوزه آیات اعتقادی تبیین می‌کند و با عنایت به آیه اعتقادی «يَا كَافِرُونَ» و توحید عبودی، ارتباط آن با مسائل سیاسی متعددی را تشریح می‌کند؛ از جمله اینکه با آیه ۲۲ سوره شعراء توضیح می‌دهد حضرت موسی علیه السلام فرعون مابی (استبداد فرعون) را «تعبد» نامیده است. بنی‌اسرائیل هیچ‌گاه فرعون را سجده نمی‌کردند، بلکه فرعون آنها را ذلیل ساخته و به اطاعت و کار اجباری و بهره‌کشی وادار کرده و هر نوع حق اختیار و آزادی را از آنها سلب نموده بود. آنها عملاً در مقابل فرعون رام و مطیع بودند. سپس «يَا كَافِرُونَ» را چنین تفسیر می‌کند که خدایا تن به تعبیدها و تذلیل‌ها و اطاعت‌های اجباری و بهره‌کشی و سلب حق اختیار و آزادی نمی‌دهیم (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۰، ج ۱ و ۲، ص ۱۰۴-۱۱۰). این نوع تفسیر که نمونه‌های متعددی از آن را می‌توان در تفاسیر اجتماعی - سیاسی سراغ گرفت، به خوبی اهمیت آیات در هندسه آیات قرآنی را تأیید می‌کند.

قرآن؛ کتاب تبیین تحول سیاسی بر پایه نظام فکری خاص

قرآن مباحث سیاست را در نظام معرفتی خاص خود تعقیب کرده و فضای تحول سیاسی در قرآن متناسب با نظام فکری قرآنی است. مفسر با این مبنا، قرآن را کتاب تبیین تحول سیاسی براساس فضای معرفتی خاص قرآنی می‌داند و معتقد است: بُعد اجتماعی هدایت انسان به سوی سعادت، در بخش مهمی محصول هدایتگری سیاسی و تحول‌محوری این کتاب در بُعد سیاسی است. الزام حاصل از پذیرش این مبنا آن است که مفسر باید با این مبنا سراغ فهم و تفسیر سیاسی برود. در این صورت افق سیاسی جامعه مطلوبش را چیزی می‌داند که اعتقادات و

باورهایش توصیه می‌کند و جامعه کنونی را در مقایسه با افق مذکور، در شرایط نامناسب و نیازمند اصلاح، دگرگونی و تحول سیاسی می‌بیند و برای ایجاد تحول سیاسی، خود را نیازمند کتاب دین (قرآن کریم) می‌یابد و می‌کوشد تبیین‌های قرآن را مدار تحول سیاسی قرار دهد. عموم مفسران دارای گرایش اجتماعی - سیاسی با همین منا به محضر قرآن راه یافته و برای رفع مشکلات عصری اجتماعی - سیاسی و رسیدن به الگوی قرآنی، به فهم و تفسیر متن وحیانی دین روی آورده‌اند، هرچند برخی دیگر تحول اجتماعی - سیاسی جامعه را به صورت خودبنیاد، عقل‌محورانه یا علم و تجربه‌مدارانه پی گرفته‌اند و قرآن را در نهایت، در حد تطبیق و مؤید نظرها و مکاتب خود - نه متن و محور تحول‌ساز - قرار داده‌اند. مبنای مشارالیه طی چند مرحله، با استناد به آیات و دیدگاه مفسران اجتماعی - سیاسی تبیین می‌شود:

۱) نیاز به هدایت الهی برای میل به هدف خلقت

هدف از خلقت انسان رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی و کمال شایسته انسانی است. خداوند در ماجرای خلقت انسان فرمود: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰). از این دست آیات استفاده شده که هدف، رسیدن به کمال شایسته و مقام «خلیفه‌اللهی» است (جوادی آملی، ۱۳۸۳ الف، ج ۱، ص ۱۸۱). انسان در پی کسب این کمال و تأمین مصالح خود است و برای رسیدن به آن نیازمند خودشناسی، هدف‌شناسی، راه‌شناسی و راهبری است (همان، ص ۱۸۲)، ولی به سبب نقصان معرفتی (ر.ک: همان، ص ۲۲۷) و فقر وجودی، نیازمند هدایت و راهبری برای تأمین مصالح و سعادت خود است (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۱۱۳). تنها خداوند احاطه علمی به مصالح بشر دارد و از هر نوع منفعت‌طلبی بی‌نیاز است. بدین‌روی در وضع قانون و بایدها و نبایدهای وصول به سعادت، به‌گونه‌ای عالمانه و معصومانه و به دور از جانبداری اقدام می‌کند و صلاحیت قانون‌گذاری برای مخلوقاتش را داراست.

۲) تأمین هدف خلقت و کمال بشر با التزام به قرآن

انسان با التزام به قرآن، می‌تواند به هدف خلقت برسد و این متن، کتاب «هدایت» به مصالح واقعی و تأمین سعادت و کمال است. در آیات متعددی سخن از هدایت قرآن است (ر.ک: بقره: ۱ و ۱۸۵؛ نمل: ۷۷) (جوادی آملی، ۱۳۸۳ الف، ج ۱، ص ۱۹۴). قرآن بر برتری هدایت‌های خود، به راست‌تر و استوارتر بودن هدایتش برای انسان تأکید دارد (اسراء: ۹). اصولاً کتب و رسولان الهی برای تأمین کمال مطلوب انسان از طریق خودشناسی، هدف‌شناسی، راه‌شناسی و راهبری تلاش می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۳ الف، ج ۱، ص ۱۸۲). قرآن کامل‌ترین کتاب دستور سیر الهی و هدایت محض، و هدف نهایی‌اش هدایت و نورانیت مردم است (همان، ص ۱۸۳-۱۸۴ و ۲۵۰).

۳) شمول قلمروی هدایتی قرآن نسبت به حیات سیاسی

هدایت قرآن فراگیر است و همه ابعاد حیات بشری (فردی و اجتماعی) را شامل می‌شود. این مطلب در تحقیق مرتبط با مبنای «جامعیت قرآن» ذیل آیاتی همچون «تَبَيَّنَّا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹) باید تشریح شود و اینکه همه آنچه در

تأمین سعادت انسان‌ها مؤثر بوده، در این کتاب بیان شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۳ الف، ج ۱، ص ۲۲۱). مفسران نیز تصریح دارند که هدایت در بعد اجتماعی - که حیات سیاسی بخشی از آن است - جزو اهداف اصلی نزول است.

البته *آیت‌الله جوادی* بر آن است که هدف نهایی قرآن و دیگر کتب آسمانی، هدایت و نورانی ساختن مردم است و اهداف اجتماعی اهداف جزئی‌اند و بخشی از فواید شریعت و هدف انبیا به‌شمار می‌آیند (همان، ص ۲۵۰). قرآن هدایت فردی را بر هدایت اجتماع مقدم می‌دارد و هدایت جامعه را از افراد خانواده آغاز می‌کند؛ زیرا جامعه را قوم و قبیله و گروه می‌سازد و هر یک از اینها نیز از کانون خانواده و افراد آن سرچشمه می‌گیرد (همان، ص ۲۵۱). در عین حال، نورانی شدن جامعه انسانی را هدف نهایی وحی می‌داند (همان، ص ۲۵۸).

در مقابل، *آیت‌الله مصباح یزدی* هدف نخستین را هدایت جامعه می‌داند و ضمن تقسیم اهداف قرآن به سه حوزه پیشی، گرایش و رفتاری، اهداف اخیر را شامل موضوعاتی از این دست می‌داند: داوری به‌حق در مسائل اختلافی، تثبیت مؤمنان در مسیر خویش و نلغزیدن به جهات انحرافی، برپایی جامعه عادلانه، حاکمیت قوانین الهی، چیرگی دین حق بر ادیان دیگر، بیرون بردن مردم از تاریکی‌ها به سوی نور، و هدایت به راه‌های امن و صراط مستقیم (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۲۳ و ۳۶-۴۳).

رشیدرضا نیز ده مقصد برای قرآن مطرح می‌کند که مقصد چهارم اصلاح اجتماعی، انسانی، سیاسی است که با وحدت‌های هشتمگانه (مانند وحدت قضایی و برابری مردم؛ وحدت سیاسی دولتی به اینکه همه بلاد در حقوق عمومی فرمانبر حکم برابر اسلامی باشند؛ وحدت لغت و زبان) تأمین می‌شود (رشیدرضا، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۲۵۶-۲۵۷). مقصد ششم بیان حکم حکومتی اسلام؛ مقصد هفتم راهنمایی قرآن برای اصلاح امور مالی؛ مقصد هشتم اصلاح نظام جنگی و دفع مفاسد آن و انحصار جنگ در اموری که به خیر و صلاح است و مقصد نهم اعطای جمیع حقوق انسانی و دینی و اجتماعی زنان است (همان، ص ۲۵۷-۲۸۸). بدین سان، این مفسر نیز به سطوح متعددی از اهداف اجتماعی - سیاسی قرآن اشاره دارد.

۴) تحول سیاسی؛ بخشی از هدف هدایتگری قرآن

حیات سیاسی بشر از مهم‌ترین عرصه‌های حیات اوست و نیازمندی انسان به هدایت در این بُعد می‌تواند در ابعاد جامعه‌سازی؛ اصلاحگری اجتماعی - سیاسی؛ و تحول در حیات اجتماعی - سیاسی باشد. قرآن در پی ایجاد «تحول اجتماعی - سیاسی» و ایجاد «تغییرات ریشه‌دار اجتماعی» بر مدار مطالبات الهی است و با بیانات خود، بشر را به این مسیر هدایت می‌کند.

به اعتقاد *سیدمحمدباقر حکیم* قرآن در پی تحقق هدفی اساسی است که سه بعد دارد. هدف اساسی «ایجاد تغییر ریشه‌دار اجتماعی در جهان انسانیت» است که تحقق آن با راهنمایی به‌منظور تغییر و تشکیل پایگاه انقلابی - که با این برنامه شکل گرفته و بر پایه این برنامه دگرگون شده باشد - صورت می‌گیرد (حکیم، ۱۳۷۸، ص ۴۹). این هدف سه بعد دارد:

۱. تغییر و تحول بنیادی و ریشه‌دار (انقلاب): قرآن آن را خارج کردن از ظلمات به سوی نور می‌خواند. براساس قاعده «إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) (ر.ک: عاملی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۴۶) با استناد به آیاتی همچون ۱۵-۱۶ مائده و ۹ حدید معتقد است: فرایند تحول ریشه‌ای و خروج از ظلمت‌ها به سوی نور، هدف از نزول اصل قرآن است (حکیم، ۱۳۷۸، ص ۴۸). یکی از ابعاد هدف اصلی نزول قرآن تغییر اجتماعی انسان است که باید ریشه‌ای باشد، نه اصلاحی (عاملی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۴۲).

۲. «برنامه صحیح برای انقلاب: دگرگونی نیازمند برنامه صحیح و روش پایدار است. این برنامه در کتاب و حکمت شکل می‌گیرد: «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه: ۲). کتاب نماینده شریعت، و دین و حکمت نماینده دانش و شناخت است (حکیم، ۱۳۷۸، ص ۵۰).

۳. ایجاد پایگاه انقلابی: دگرگون‌سازی ریشه‌دار اجتماعی به ایجاد پایگاه انقلابی نیاز دارد. شاید مراد از «یزکیهم» در برخی آیات، همین است. قرآن به ایجاد این پایگاه پرداخت و رویارویی با همه پیشامدهای زمان رسول اکرم ﷺ را دستور کار خود قرار داد و در برابر هر رویدادی موضع گرفت تا این هدف بزرگ محقق شود (همان، ص ۵۲).

۵) تحول سیاسی با قرآن در عصر نزول (ارائه عملی الگوی تحول)

قرآن کریم الگویی از ایجاد تحول اجتماعی - سیاسی را در عصر نزول ارائه کرده و ضمن عبور از جامعه جاهلی، در تأسیس جامعه‌ای بر مدار توحید و تشکیل امت و حکومت اسلامی موفق شده و نمونه‌ای از ظرفیت ایجاد تحول اجتماعی - سیاسی و سامان دادن به نظامی جدید بر مبنای اسلام را به نمایش گذاشته است. تحول‌گری قرآن در جامعه عصر نزول شامل فهرست بلندی از مراحل تحول می‌شود؛ مانند:

۱. اعتراض به مناسبات و مدیریت غیرتوحیدی، ظالمانه و مبتنی بر تعصبات و قبیله‌گرایی حاکم بر روابط اجتماعی مکه؛

۲. امت‌سازی و تولید پایه‌های ایمانی و اعتقادی در مکه؛

۳. خروج از نظم موجود؛

۴. هجرت (خروج شبانه پیامبر ﷺ از مکه و ایثار حضرت علیؓ در لیلۃ المبیت و نزول آیه ۲۰۷ سوره بقره)؛

۵. ملت‌سازی و حکومت‌سازی در مدینه و تشکیلات اجرایی و قضایی و ایجاد جامعه سیاسی مستقل؛

۶. دعوت به اسلام و جهاد و جنگ با واحدهای سیاسی دیگر؛

۷. مرحله انتقال قدرت و حاکمیت در واقعه غدیر (ذیل تفاسیر متعدد آیه ۶۷ سوره مائده).

قرآن رسالت پیامبران را فراخوانی به عبودیت خدا و اجتناب از اطاعت طاغوت معرفی می‌کند و در ده‌ها آیه سخن از اقامه قسط و مبارزه با حاکمیت‌های موجود دارد؛ همچون مبارزات حضرت موسیؑ با فرعون، بیرون بردن مردم از قلمرو حکومتی فرعون و تشکیل جامعه جدید توسط وی.

آنچه ما از مجموع معارف قرآنی استفاده می‌کنیم و درمی‌یابیم این است که مطالبه اسلام از مسلمین ایجاد نظام اسلامی به‌نحو کامل است. مطالبه اسلام تحقق کامل دین اسلام است. این آن چیزی است که انسان در مجموع آن را احساس می‌کند... «أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶) که چندین بار این لفظ و این مضمون در قرآن تکرار شده، نشان می‌دهد که اصلاً خدای متعال پیغمبران را فرستاد برای توحید، برای اجتناب از طاغوت، برای عبودیت خداوند؛ اساس کار این است» (حسینی خامنه‌ای، دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱).

شهید سیدمحمدباقر صدر معتقد است: رسالت قرآن تشکیل امت اسلامی بود که صورت پذیرفت (صدر، بی‌تا، ص ۲۳۷). این تحول در پرتو دگرگونی جامعه جزیره‌العرب در سه بعد شکل گرفت: ۱. آزادی از بت‌پرستی (همان، ص ۲۳۸)؛ ۲. آزادسازی عقل انسانی (همان، ص ۲۴۲)؛ ۳. آزادسازی انسان از بندگی شهوات (همان، ص ۲۴۴-۲۴۵). البته قرآن می‌خواهد در اجتماع طاغوتی عصر نزول خود تغییر ریشه‌ای ایجاد کند، ولی در اجتماعاتی که رسالت‌های قبلی در آن بود و منحرف شدند، هدف، ایجاد تغییر اصلاحی - نه ریشه‌ای - معرفی شده است (عاملی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۵۰).

۶) ظرفیت تحول‌بخشی به حیات اجتماعی بعد از نزول

قرآن ظرفیت الگویی برای ایجاد تحول سیاسی و اجتماعی در جوامع بعد از عصر نزول را نیز داراست و قدرت تحول‌گری خود را در جامعه نمونه پیاده کرده است. به اعتقاد جعفر مرتضی‌عاملی «ایجاد پایگاه انقلابی»، همراه با «ارائه طریق صحیح» یک اصل برای تغییر ریشه‌دار به‌شمار می‌رود. قرآن اهتمام ویژه‌ای به ایجاد پایگاه انسانی - انقلابی دارد، به‌گونه‌ای که پیشوای انتقال اسلام در زمان‌های گذشته و در هر مرحله از آینده بشر است. وی با ذکر آیه سوره ۹۲ انعام توضیح می‌دهد: منظور از «ام القری» مکه است و «من حولها» شامل تمام زمین‌ها نمی‌شود؛ زیرا قرآن ضمن اهدافش می‌خواهد مجموعه‌ای خاص را تربیت و تزکیه کند، با تأکید بر اینکه رسالت قرآن جهانی است و به جماعت خاصی اختصاص ندارد. معلوم است که همه بشریت در زمان کوتاه رسالت تغییر ریشه‌ای نمی‌یافت، بدین‌روی قرآن می‌خواهد نمونه یک پایگاه بشری را بنا کند (همان، ص ۴۶).

محمد عبده به ایجاد دگرگونی قرآن در مخاطبان بعدی توجه کرده و شرط آن را استفاده از روش قرآن دانسته است، می‌نویسد: قرآن در بشریت یک انقلاب ایجاد کرد و چیزی مانند این انقلاب انسانی ممکن نیست که بار دیگر ایجاد شود، مگر با استفاده از روش قرآن (رشیدرضا، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۱۹۸). او معتقد است: این انقلاب با تأثیر روحی قرآن در روح و جان امت عربی ایجاد شد، و این تأثیر و ایجاد انقلاب بزرگ بر دو نوع بود: اول جذب مردم به اسلام؛ دوم تزکیه و تغییر همه جهل و فساد آنها به علم و طهارت (همان، ج ۲، ص ۱۹۹).

آیت‌الله خامنه‌ای ذیل آیات مربوط به غدیر (مائده: ۳)، به الگوی «تحولی قرآن در مسئله رهبری» توجه دارد و می‌گوید:

جوامع بشری از دیرباز حکومت داشتند. بشر انواع و اقسام حکومت‌ها را تجربه کرده است. اسلام این حکومت‌ها را، این نوع قدرتمندی‌ها و قدرت‌مداری‌ها را قبول ندارد؛ امامت را قبول دارد. این قاعده اسلام است؛ غدیر این را بیان می‌کند... پیغمبر این [شخص] را به‌عنوان مصداق امامت معین کرد. این شد قاعده؛ تا آخر دنیا هر جا مسلمان‌ها بخواهند و همت کنند و هدایت شوند از سوی خدا به اینکه اسلام را تحقق ببخشند و جامعه اسلامی را تحقق ببخشند، ضابطه و قاعده‌اش این است: باید امامت را احیا کنند... معلوم شد که در جامعه اسلامی، حکومت سلطنتی معنا ندارد، حکومت شخصی معنا ندارد... . وقتی این قاعده وضع شد، آن وقت «یَسْ أَلذِینَ کَفَرُوا مِنْ دِینِکُمْ». دیگر دشمن‌ها از اینکه بتوانند مسیر این دین را تغییر بدهند، مأیوس می‌شوند؛ چون مسیر دین آن وقتی تغییر پیدا می‌کند که آن نقطه اصلی، آن هسته اصلی تغییر پیدا کند؛ یعنی هسته قدرت، هسته مدیریت، هسته ریاست اگر تغییر پیدا کند همه چیز تغییر می‌کند... امروز اگر کسانی در دنیای اسلام؛ آنهایی که با معارف اسلامی آشنا هستند مراجعه کنند به قرآن، مراجعه کنند به ضوابطی که در قرآن برای بندگی حق و زندگی و جهت‌گیری بندگان حق (یعنی ملت‌ها) در قرآن معین شده است، امکان ندارد به نتیجه‌ای برسند جز نتیجه امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و آنچه دنباله اوست (حسینی خامنه‌ای، سخنرانی ۱۳۹۵/۶/۳).

قرآن؛ کتاب پالایش سیاست و مهیمن بر دانش سیاسی

قرآن در راستای تحول بخشی، نسبت به روش‌های مرسوم بشری در تدبیر حیات سیاسی نقد دارد؛ نسبت به وضعیت و تحولات حیات سیاسی بشر نظر می‌دهد و دآوری می‌کند؛ درباره آنها قضاوت می‌کند و از موضع برتر احکامی صادر می‌نماید، و این به‌معنای هیمنه بر آنهاست، بدین‌روی مفسر قرآن را کتاب پالایش سیاست موجود و مهیمن بر دانش سیاسی آن می‌داند. تبیین مبانی حاضر با چند عنوان زیر و در ادامه با استناد به دیدگاه مفسران اجتماعی - سیاسی صورت می‌پذیرد:

۱. ناتوانی بشر از قانون‌گذاری برای حیات اجتماعی - سیاسی

آگاهی از مصالح انسان، جامعه و نظام هستی برای تأمین منافع، شرط لازم قانون‌گذاری اجتماعی - سیاسی است، و این سطح از آگاهی موجب برخورداری از صلاحیت ارائه نظام جامع حقوق و وظایف و ولایت و تدبیر جامعه و اداره امور براساس آن می‌شود. آیا بشر دارای چنین توانی هست؟ آموزه‌های قرآنی اصرار دارند که بشر دارای نقصان علمی است: «فَادْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۲۳۹) و تنها علم اندکی به او داده شده است: «وَأَوْتَيْنَاهُم مِّنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء: ۸۵) (ر.ک: طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۵۱۵). همچنین بشر به‌سبب فقر وجودی و وجود تمایلات و غرایز متنوع، همیشه در معرض شهوات عملی، همچون بخل و حسادت و حب و بغض‌هاست که نمونه‌های متعددی از آن در قانون‌گذاری‌های فراعنه و نمرودیان و طاغوتیان در کتب تاریخی و اسلامی ذکر شده است، و چنین نقصانی از موانع عمده قانون‌گذاری و جعل تشریعات مطابق مصالح واقعی و جامع حیات مادی و فرامادی بشر در گستره اجتماعی و سیاسی، با همه پیچیدگی‌های روابط انسانی و روابط انسان با دیگر اجزای هستی (طبیعت، حیوانات و دیگر موجودات زنده) به‌شمار می‌آید (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص ۵۶۶).

۲. انحصار حق قانون‌گذاری و تدبیر جامعه به خداوند

طبق مبانی توحیدی در قرآن، تنها خداوند به نیازها و مصالح بشر در همه ابعاد (مادی و معنوی، دنیایی و اخروی، جسمی و روحی، فردی و اجتماعی) و نیز به همه مخلوقات احاطه علمی دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۱۹۹؛ همو، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۲۲ و ۳۲۸-۳۳۰؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۳۴۰؛ سبحانی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۲۰؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۸۹) و به احاطه او از ابعاد گوناگون، در آیات توجه شده است (ر.ک: ملک: ۱۳-۱۴؛ اسراء: ۵۵؛ بقره: ۲۳۱-۲۳۲) (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۷۶-۸۰). علاوه بر آن، خلقت توسط خدا، دلیل علم او به مخلوقات است و اصل علم انسان نیز مخلوق خداست و خدای علم‌آفرین قطعاً عالم است (جوادی آملی ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۳۲۲ و ۳۲۸-۳۳۰).

۳. نیاز به منع فراعقلی و تجربی برای تشریح به‌منظور تدبیر حیات سیاسی

بشر برای قانون‌گذاری سیاسی نیازمند منابع معرفتی فراعقلی است و دانش سیاست او نیز که محصول اندیشه بشری در حوزه حیات سیاسی و بخشی از محصولات عقلی اوست، با این نقص روبه‌روست. این ضعف در کنار شبهات علمی ناشی از نقصان معرفتی، او را در تدوین و تشریح برنامه حیات سیاسی، به منبعی معرفتی نیازمند می‌سازد که فراتر از عقل بشری و مشاهدات تجربی است و اینجاست که هدایت‌های وحیانی به کمک عقلانیت بشر می‌شتابد تا در شبهات علمی و شهوات عملی به او یاری رساند و برنامه‌ای را که ناظر به سعادت و تأمین مصالح مادی و معنوی، حیات دنیایی و اخروی... باشد، تدوین نماید. بدین‌روی خدای علیم و غنی مطالباتش را در جهت تأمین این اهداف در قالب اوامر و نواهی و ایجاد نظامی از حقوق و وظایف در عرصه حیات فردی و جمعی سیاسی و غیر آن (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۰، ص ۳۵ و ۳۶؛ همو، ۱۳۸۴، ص ۱۴۸؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ص ۱۸۱) به بشر عرضه می‌نماید.

فلسفه انزال کتب و ارسال رسل و تشریح دین نیز «نمایاندن راه صحیح وصول به سعادت حقیقی» است (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۲۳۶ و ۲۳۷). در تفسیر آیه ۲۱۶ بقره بیان می‌شود: پروردگار با لحن قاطع می‌گوید: بشر نباید تشخیص خود را در مسائل مربوط به سرنوشتش حاکم سازد؛ زیرا دانش او از هر نظر محدود و ناچیز است. او همانند قوانین تکوینی، در قوانین تشریحی نیز بسیاری از مصالح و مفاسد را نمی‌داند و ممکن است از چیزی بدش بیاید، در حالی که سعادت بشر در آن است، یا به‌عکس. مخاطب قرآن به مقتضای «وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۲۱۶) می‌داند که خدای آگاه از همه چیز، در هر یک از دستوراتش، مصالحی را لحاظ کرده که مایه سعادت بندگانش است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۰۷-۱۰۸).

عمل به تشریحات که برخاسته از علم الهی است، از منظر خداوند چنان قطعیتی دارد که بشر را در مقابل سربرتافتن و استکبار، در قیامت بازخواست می‌کند: «وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ مَا لَكُمْ لَا تَنْصَرُونَ بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ» (صافات: ۲۴-۲۷). علامه طباطبائی ذیل آیه مزبور می‌نویسد: بعضی گفته‌اند: از اینکه آیا از عهده

کلمه «لا اله الا الله» برآمده‌اند یا نه؟ و... آیا ولایت حضرت علی علیه السلام را که بدان مأمور بودند، چگونه و تا چه حد رعایت کردند؟... از سیاق برمی‌آید مطلب مورد بازخواست همان است که جمله «مَا لَكُمْ لَا تَنصُرُونَ» مشتمل بر آن است... اینکه چرا از اطاعت حق استکبار نمی‌کنید؛ همان‌طور که در دنیا استکبار می‌کردید؟ (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۱۳۲).

حاصل اینکه قوانین الهی در حیات سیاسی بر قوانین بشری - که دانش سیاست موجود از آن جمله است - هیمنه و تقدم دارد و باید دستاوردهای بشری که در دانش سیاست گزارش می‌شود، با محک کتاب الهی سنجیده شود و تابع وحی و قوانین الهی باشد (در حالی که - برای نمونه - در قرائتی از مکتب «دئیسم»، عقل برای قانون‌گذاری و تدبیر نظام اجتماعی و سیاسی ضرورت دارد و وحی (به قرائت آنان) از این عرصه کنار گذاشته می‌شود (ر.ک: کریمی، ۱۳۸۲).

همچنین قرآن، کتاب جامع الهی، مشتمل بر مطالبات الهی برای تدبیر حیات در عرصه سیاسی و اجتماعی است و به سبب همین احاطه، مهیمن بر برایندهای عقلی و فکری بشری است و ظرفیت پالایش و پیرایش آنها را در مسیر تأمین خواستها و مطالبات الهی دارد.

با این نگاه، قرآن و آیات سیاسی‌اش بر همه دانش‌ها ولایت می‌یابد (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۰، مقدمه ناشر) و به سبب قلمرو و جامعیت، هیچ عقیده‌ای در حوزه سیاسی نیست که قرآن درباره آن سخن نگفته و حق را تأیید یا باطل را نفی نکرده باشد و این ظرفیت شامل همه عقاید گذشته و آینده می‌شود؛ زیرا مکاتب بشری (قبل از نزول، معاصر یا آنچه بعد پدید می‌آید) باید بر قرآن عرضه شود، و این کتاب نیز درباره صحت و سقم آنها اظهار نظر کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۳ الف، ص ۲۲۳). دانش‌های سیاسی موجود نیز برون‌داد مکاتبی است که نقصان معرفتی مذکور بشر را نمی‌پذیرد و بر مبنای عقل خودبنیاد به تولید دانش می‌پردازد و بدین‌رو پالایش آن و حفظ هیمنه قرآن بر آن مبنای مهم تفسیر سیاسی است.

مفسرانی همچون *آیت‌الله مکارم در تفسیر نمونه و پیام قرآن* با پذیرش هیمنه و سلطه قرآن، دیدگاه‌های فلاسفه سیاسی را با برداشتهای قطعی قرآنی محک می‌زنند: در مسئله «انواع حکومت‌ها»، ضمن تقسیم حکومت‌ها به خودکامه، شورایی و الهی، از حکومت الهی که برآمده از تفسیر آیات قرآن است دفاع می‌کند و حکومت شورایی و خودکامه را به چالش می‌کشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۲۵-۲۸). همچنین با توسل به آموزه توحیدی قرآن، توضیح می‌دهد که حکومت تراز قرآنی اولاً مخصوص خداست؛ سپس برای هر کسی که حکومت را به او عطا کند: «إِنِ الْحُكْمُ أَلَّا لِلَّهِ» (انعام: ۵۷؛ یوسف ۴۰ و ۶۷).

توحید خالقیّت ملازم توحید حاکمیت است. وقتی مبنای مخلوق بودن عالم را پذیرفتیم، باید بپذیریم که عالم ملک تامّ اوست، و حاکمیت مطلق ابتدا مخصوص اوست، بدین‌رو حاکمیت‌ها باید به او منتهی شوند و باید به فرمان او باشند و حکومت بدون اذن او، غصب است. این دیدگاه از توحید افعالی (از شاخه‌های آن توحید مالکیت و

حاکمیت) سرچشمه می‌گیرد و برای خادپرستان موحد کاملاً شناخته شده است؛ همان‌گونه که دیدگاه‌های مکتب‌های الحادی بر کسی پنهان نیست.

به‌همین دلیل، پیامبران الهی را حاکمان اصلی از سوی او می‌دانیم و به‌همین سبب، پیامبر اکرم ﷺ در اولین فرصت ممکن (هجرت به مدینه و فراهم شدن زمینه تشکیل حکومت) بی‌درنگ حکومت تشکیل داد و بعد از او نیز کسانی حق حکومت دارند که بی‌واسطه یا باواسطه از سوی او برای این مقام تعیین شده باشند. در نگاه توحیدی قرآنی، حکومت باید از سوی بالا تعیین شود. حتی حقی که برای مردم اعتبار می‌شود باید از سوی خدا معین گردد و نمی‌توان اراده خلق را بی‌آنکه به اراده خالق منتهی شود به‌عنوان اساس حکومت پذیرفت.

آیت‌الله مکارم با این مبنا قرآن را مهیمن بر دانش سیاست قرار می‌دهد و به پالایش یکی از دستاوردهای دانش فلسفه سیاسی، یعنی «حق اصیل مردم برای حاکمیت» می‌پردازد:

اینکه بعضی از ناآگاهان نوشته‌اند: «این حقیقت ملموس را همه درک می‌کنند که هر کس را اکثریت مردم به زمامداری برگزینند، و پشتیبانش باشند حاکم می‌شود، زیرا نیروی اصلی جامعه خود مردم هستند... این مردم هستند که ولایت را به کسی می‌دهند و به حاکمیت او عینیت می‌بخشند» با تفکر توحیدی سازگار نیست. ما می‌گوییم: تفکر توحیدی عکس این را بیان می‌کند؛ می‌گوید: این خداست که ولایت را به کسی می‌دهد و به حاکمیت او عینیت می‌بخشد، و اگر مردم در این زمینه حقی دارند آن هم به اذن و فرمان اوست... تفکر توحیدی حکومت را از سوی بالا می‌بیند و تفکرات الحادی از سوی پایین (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۵۴).

نتیجه‌گیری

این تحقیق در محور متن (قرآن) سه مبنا را معرفی کرد؛ یعنی اینکه مفسر سیاسی پذیرفته است:

۱. آیات ناظر به سیاست دارای کثرت و اهمیت است و حضورشان حاشیه‌ای و خارج از هدف نزول قرآن نیست.
۲. قرآن در فضای معرفتی توحیدی خود، مباحث سیاست را پی گرفته و هدف از طرح مسائل سیاسی ایجاد فضای تحول سیاسی به‌سمت تغییرات که مطلوب الهی است.
۳. قرآن کتاب پالایش سیاست و مهیمن بر دانش سیاسی است.

این تحقیق همچنین معرفی یک محور از مبانی علمی خاص تفسیر سیاسی را بر عهده داشت و در صورتی که دو گروه دیگر (مبانی علمی خاص در محور مخاطب و مفسر) تدوین گردد، می‌توان به هندسه روشنی از مبانی خاص علمی تفسیر سیاسی دست یافت. این گروه از مبانی در کنار مبانی فلسفه علمی و مبانی عام، در فرایند تولید اصول و قواعد تفسیر سیاسی به کار خواهد رفت. بدین‌رو، تحقیق حاضر بخشی از مسیر دستیابی به دانش تفسیر سیاسی را هموار کرده است.

از منظری دیگر، چون تفسیر سیاسی از مقدمات مهم اسلامی‌سازی دانش سیاست و قوانین و نظامات مرتبط با مدیریت حیات سیاسی و اجتماعی است، دستیابی به مبناهای علمی خاص در محور این مقاله و محورهای دیگر، می‌تواند مقدمات تأمین بخشی از این اهداف را فراهم آورد.

منابع

- ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۴۲۰ق، *التحریر و التتویر (تفسیر ابن عاشور)*، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی.
- یازی، سیدمحمدعلی، ۱۳۷۳، *المفسرون حیاتهم و منهجهم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بابایی، علی اکبر و همکاران، ۱۳۷۹، *روش‌شناسی تفسیر قرآن*، تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، تهران.
- بهجت‌پور، عبدالکریم، ۱۳۹۲، *تفسیر تنزیلی، مبانی، اصول، قواعد*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۷، *تسریعت در آیینہ معرفت*، قم، اسرا.
- _____، ۱۳۸۰، *انتظار بشر از دین*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۳ الف، *قرآن در قرآن*، قم، اسرا.
- _____، ۱۳۸۳ ب، *تسنیم*، قم، اسراء، قم.
- _____، ۱۳۸۳ ج، *توحید در قرآن*، قم، اسرا.
- _____، ۱۳۸۴، *حق و تکلیف در اسلام*، قم، اسرا.
- حکیم، سیدمحمدباقر، ۱۳۷۸، *علوم القرآن*، تهران، تبیان.
- دائرةالمعارف قرآن کریم*، ۱۳۸۲، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- دولت‌آبادی، معصومه، ۱۳۸۸، «گرایش تفسیر سیاسی»، *قرآن و علم*، ش ۵، ص ۳۷-۶۲
- رشیدرضا، محمد، بی‌تا، *المنار (التفسیر القرآن الکریم)*، بی‌جا، دار الفکر.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۷، *منطق تفسیر قرآن (مبانی و قواعد تفسیر)*، قم، جامعه المصطفی العالمیه.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۸۴، *الهیات علی هدی الکتاب و السنه و العقل*، تقریر حسن مکی عاملی، حسن، چ ششم، تهران، مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.
- سید قطب، ۱۴۲۵ق، *فی ظلال القرآن*، چ سی و پنجم، لبنان، بیروت، دار الشروق.
- شاکر، محمدکاظم، ۱۳۸۲، *مبانی و روش‌های تفسیری*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- صدر، سیدمحمدباقر، بی‌تا، *المدرسة القرآنیة*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
- طالقانی، سیدمحمد، ۱۳۶۲، *پرتوی از قرآن (۶ج)*، چ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار، تهران.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن، بی‌تا، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عابدی، محمد، ۱۳۹۶، «مبانی فلسفه علمی تفسیر سیاسی»، *معرفت سیاسی*، ش ۱۸، ص ۵-۲۹.
- _____، ۱۳۹۸، *تکلیف سیاسی از منظر قرآن*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
- _____، ۱۳۹۹، «امکان تفسیر سیاسی قرآن کریم»، *سیاست متعالیه*، ش ۳۱، ص ۷-۲۶.
- _____، ۱۴۰۰، *مبانی سیاست از منظر قرآن*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عاملی، جعفر مرتضی، ۱۴۲۰ق، *تفسیر سوره الفاتحه*، بیروت، مرکز اسلامی للدراسات.
- علوی مهر، حسین، ۱۳۸۱، *روش‌ها و گرایش‌های تفسیری*، تهران، اسوه.
- فضل‌الله، محمدحسین، ۱۴۱۹ق، *من وحی القرآن*، بیروت، دار الملاک.
- کریمی، مرتضی، ۱۳۸۲، «آشنایی با مکتب دئیسم»، *معرفت*، ش ۴، ص ۶۶-۷۶.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۳، *معارف قرآن*، قم، مؤسسه در راه حق.
- _____، ۱۳۹۴، *قرآن‌شناسی*، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مطهری، مرتضی، ۱۳۷۰، *آشنایی با قرآن*، تهران، صدرا.

—، ۱۳۷۴، *مجموعه آثار*، ج ۱ (ماتریالیسم در ایران)، چ دوم، تهران، صدرا.

معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۰، *سیاست و حکومت در قرآن* (مصاحبه آیت‌الله معرفت با علوم سیاسی)، ش ۱۱، ص ۳۷-۳۴.

—، ۱۳۸۵، *تفسیر و مفسران*، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه* (۲۸ ج)، چ دهم، تهران، دار الکتب الإسلامية.

—، ۱۳۷۴، *پیام قرآن*، ج ۱۰، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.

—، ۱۳۸۸، *اهداف قیام حسینی*، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی دامغانی، قم، امام علی بن ابی طالب علیه السلام.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله، بی‌تا، *کشف الاسرار*، قم، مصطفوی.